

پای درس امام صادق علیه السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# پای درس امام صادق

نگاهی موحدانه به شگفتی‌های آفرینش

ترجمه توحید مفضل

مترجمه رضایی





فهرست

سخن مترجم ..... ۷

سراغاز

در مسجد پیامبر ﷺ

گفت وگویی ملحدانه ..... ۱۷ مفضل در خدمت امام

سخن مفضل با ابن ابی العوجاء ..... ۱۹ صادق علیه السلام ..... ۲۰

جلسه اول

اسرار آفرینش در انسان

اسباب آفرینش را نمی دانند ..... ۲۵ نابینایی، ناشنوایی و بی عقلی ... ۴۱

جهان و یک پارچگی اجزای آن ..... ۲۸ افراد ناقص الخلقه ..... ۴۲

تشکیل جنین در رحم ..... ۲۹ اندام های زوج و فرد ..... ۴۳

تولد و مراحل بعدی رشد ..... ۲۹ صدا و سخن گفتن ..... ۴۳

عبرتی از آنچه گذشت ..... ۳۰ سودمندی های دیگر ..... ۴۴

یک پرشش ..... ۳۱ مغز و عظمت آن ..... ۴۵

اهمال یا تدبیر؟ ..... ۳۱ پلک ها و رستن گاه مژه ها ..... ۴۶

نعمت نادانی برای کودک ..... ۳۲ قلب و پرده آن ..... ۴۶

گریه پرفایده ..... ۳۴ حلق و مری ..... ۴۶

ریزش بزاق کودکان ..... ۳۵ شش ها ..... ۴۶

آلات تناسلی مرد و زن ..... ۳۵ منافذ ادرار و مدفوع ..... ۴۶

هر عضوی را کاری است ..... ۳۶ معده و کبد ..... ۴۷

پندار واهی طبیعت گریان ..... ۳۶ نخاع و خون و رگ ها و ناخن ها و ... ۴۷

فرایند هضم غذا ..... ۳۷ قلب و روزه های آن ..... ۴۹

مراحل رشدن بدن ..... ۳۸ نر و ماده، دولنگه یک در ..... ۴۹

چشم ها و جایگاه بلند آنها ..... ۳۹ آلت تناسلی مرد ..... ۴۹

حواس پنج گانه ..... ۴۰ سوراخ تخلیه ..... ۵۰



۶۲	علم‌های بایسته و ناشایست	۵۰	دندان‌ها
۶۳	مصلحت مخفی بودن اجل	۵۱	موها و ناخن‌ها
۶۵	خواب‌های راست و دروغ	۵۲	موهای زهار و زیربغل
۶۶	برای انسان	۵۳	منفعت آب دهان
۶۷	همه نیازها، نه	۵۳	نتیجه کومه فکری
۶۸	نان و آب	۵۴	تدبیرهای شگفت
۶۹	ناهمانندی در انسان‌ها	۵۶	نیروهای چهارگانه
۷۰	رابطه تغذیه و رشد	۵۶	یک تمثیل
۷۰	مشکلات انسانی	۵۸	نعمت حافظه و فراموشی
۷۱	نه فقط نر، نه فقط ماده	۵۹	حیا و عفت
۷۱	نشانه مردانگی	۶۰	گفتن و نوشتن

### جلسه دوم

#### اسرار آفرینش در حیوانات

۸۳	دم حیوانات	۷۵	همه حیران و سرگردان و مست‌اند
۸۳	پشت و شرمگاه حیوانات	۷۶	بدن حیوان
۸۴	خرطوم به جای دست	۷۷	حیوان برای انسان
۸۴	هیجان جفت‌گیری	۷۸	آفرینشی طبق مصلحت
۸۵	شترگاو پلنگ	۷۹	چارپایان و پرندگان پس از تولد
۸۶	خلقت بوزینه	۸۰	پای حیوانات
۸۷	جامه‌ای از گُرک و پشم و مو	۸۰	الاع سربه‌راه
۸۸	مخفیانه می‌میرند	۸۱	اگر درندگان عاقل بودند
۸۹	هوش غریزی حیوانات	۸۲	وفاداری سگ
۹۰	ابر و ازدها	۸۲	صورت چارپایان



- ۹۸ ..... پای بلند و گردن دراز ..... ۹۱ مورچه ها
- ۹۸ ..... روزی به اندازه ..... ۹۲ شیرمگس
- ۹۹ ..... خوراک شب پره ها ..... ۹۳ عنکبوت
- ۱۰۰ ..... پرنده ای به شکل حیوان ..... ۹۳ عبرت های ریز و درشت
- ۱۰۱ ..... خار خسک ..... ۹۴ ظاهر و زندگی پرندگان
- ۱۰۲ ..... جمعیت زنبوران ..... ۹۵ حس جوجه آوری در مرغ خانگی
- ۱۰۲ ..... چه ناتوان است و پرتوان! ..... ۹۶ تخم پرندگان
- ۱۰۳ ..... ماهی ها و فراوانی آنها ..... ۹۶ چینه دان برای چیست؟
- ۱۰۵ ..... حکمت گسترده الاهی ..... ۹۷ گوناگونی رنگ ها

### جلسه سوم

#### اسرار آفرینش در طبیعت

- ۱۲۱ ..... اندازه روز و شب ..... ۱۰۹ نشانه هایی دیگر
- ۱۲۲ ..... گرما و سرما، پی در پی و به تدریج ..... ۱۱۰ رنگی برای نگرستن
- ۱۲۴ ..... وزش بادها ..... ۱۱۰ حکمت طلوع و غروب
- ۱۲۵ ..... هوا، کاغذی لطیف و ..... ۱۱۲ چهار فصل زندگانی
- ۱۲۵ ..... اکسیژن هوا ..... ۱۱۳ گردش در دوازده منزل
- ۱۲۶ ..... گستردگی زمین ..... ۱۱۴ تابشی مدام و فراگیر
- ۱۲۷ ..... قرارگاهی مطمئن ..... ۱۱۵ به ماه استدلال کن
- ۱۲۸ ..... از شمال به جنوب ..... ۱۱۶ ستارگان ثابت و سیار
- ۱۲۹ ..... آب های خشکی و دریا ..... ۱۱۷ گاه پیدا و گاه ناپیدا
- ۱۳۰ ..... هوادر همه جا ..... ۱۱۹ اگر به ما نزدیک بودند
- ۱۳۰ ..... آتش ..... ۱۲۰ این فلک دوار



- |     |                       |     |                           |
|-----|-----------------------|-----|---------------------------|
| ۱۴۱ | برگ‌ها و رگ برگ‌ها    | ۱۳۲ | آفتابی و بارانی           |
| ۱۴۱ | هسته‌ها و دانه‌ها     | ۱۳۲ | تا سرکشی نکند             |
| ۱۴۲ | می‌میرد و زنده می‌شود | ۱۳۳ | نزول باران از بالا        |
| ۱۴۳ | در وصف انار           | ۱۳۴ | منفعت‌های نهفته در کوه‌ها |
| ۱۴۴ | میوه‌های سنگین        | ۱۳۵ | معادن گران سنگ            |
| ۱۴۴ | نخل خرما              | ۱۳۷ | گیاهان                    |
| ۱۴۵ | فواید چوب             | ۱۳۸ | از یک دانه تا صد دانه     |
| ۱۴۶ | گیاهان درمان‌گر       | ۱۳۸ | تکثیر درختان              |
| ۱۴۷ | بی‌مقدار، ولی با ارزش | ۱۳۹ | پوشش‌های محافظ دانه       |
|     |                       | ۱۴۰ | راز ریشه‌ها               |

### جلسه چهارم

#### اسرار بلاها و آفت‌ها و ...

- |     |                              |     |                                  |
|-----|------------------------------|-----|----------------------------------|
| ۱۶۵ | اوصاف اعترافی نه احاطه‌ای    | ۱۵۱ | بهانه‌هایی برای انکار            |
| ۱۶۶ | سر اختلافات                  | ۱۵۳ | اگر تدبیرکننده‌ای نیست، چرا...؟  |
| ۱۶۷ | بلندمرتبه است و مابین با خلق | ۱۵۳ | دنیا، بی‌گرفتاری و بلا؟          |
| ۱۶۸ | هم نزدیک است و هم دور        | ۱۵۶ | حکمت در بلاهای همه‌گیر           |
| ۱۶۹ | گزافه‌گویی طبیعت‌گرایان      | ۱۵۸ | اگر مردمان نمی‌مردند             |
| ۱۶۹ | انکار هدفمندی و تدبیر        | ۱۵۹ | شبهه‌ای دیگر                     |
| ۱۷۰ | پاسخ امام علی علیه السلام    | ۱۶۳ | دنیا زینت است                    |
| ۱۷۱ | خاتمه                        | ۱۶۴ | عقل مرتبه فوق خود را درک نمی‌کند |
|     |                              | ۱۶۵ | تکلیف و قدرت                     |



## سخن مترجم

۱. اسلام دین هدایت و تربیت انسان در جهت عبودیت و بندگی خدا است، و متون دینی، یعنی قرآن و روایات، که عهده‌دار تبیین این هدف مقدس‌اند، برای این منظور، از روش‌های گوناگون استفاده کرده‌اند. از جمله این شیوه‌ها، بیان حقایق علمی و گره‌گشایی از شگفتی‌ها و اسرار نهفته در پدیده‌های جهان هستی است.

در قرآن کریم، آیات متعددی وجود دارد که انسان را دعوت به تفکر و تدبّر در جهان آفرینش و آیات بی‌شمار الهی می‌کند و حتی کسانی را که اهل تفکر نیستند، به باد سرزنش می‌گیرد: «وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛<sup>۱</sup> و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند.» و می‌فرماید: «أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا؟ چرا به آسمان که بالای سرشان است، نمی‌نگرند که چگونه آن را برپا نموده‌ایم و آراسته‌ایم.»

دسته‌ای دیگر از آیات قرآن، در همین زمینه، اسراری از طبیعت را برای مخاطبان کلام الهی فاش می‌کنند که بعضی از آنها، اگرچه امروزه از مسلمات علمی به‌شمار می‌آیند، اما با توجه به روزگار نزول قرآن و جهل و نادانی فراگیر آن زمان، خود دلیل بر معجزه بودن قرآن‌اند. مثلاً آیه «أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ أَبْتَنَاهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ؛<sup>۲</sup> آیا به زمین نمی‌نگرند که چه اندازه گیاهان پرارزش را دوتایی در آن رویانیدیم» اشاره به «زوجیت گیاهان» دارد که واقعیتی است کشف شده در قرن‌ها پس از نزول قرآن.<sup>۴</sup>

۱. آل عمران / ۱۹۱.

۲. ق / ۶.

۳. شعراء / ۷.

۴. برای توضیح بیشتر در این باره، ر.ک: رابطه علم و دین، عباسعلی سرفرازی، ص ۲۴ تا ۲۸.



نیز در روایات رسیده از معصومان علیهم السلام، بیانات علمی فراوانی که از چهره اسرار هستی و ناگفته‌های موجودات پرده برمی‌دارد، دیده می‌شود. نمونه معروف این دست روایات، حدیث شریف «توحید مفضل» است، به املاي حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که دانستنی‌هایی ناب و ارزشمند و گاه بالاتر از درک و فهم آدمی را، درباره آسمان و زمین و آنچه در درون آن دو است دربر می‌گیرد.

در این جا این سؤال رخ می‌نماید که ذکر مطالب و مثال‌های علمی و آموختن معارف طبیعی و زمینی به مخاطبان - چه در قرآن و چه در بیانات معصومین علیهم السلام به چه هدفی صورت گرفته، و آیا این همه مستقلاً مورد نظر بوده، یا ذکر آنها مقدمه و پیش درآمد امری به مراتب مهم‌تر و سازنده‌تر بوده است.

هدف اصلی قرآن - و در پی آن روایات ائمه علیهم السلام هدایت انسان به سوی خدا و گشودن راه سعادت ابدی به روی او است، و اگر در این میان سخن از مسائل علمی به میان می‌آید و پدیده‌های مادی شاهد آورده می‌شوند، برای آن است که آدمی به جلوه‌های فیض و قدرت خداوند متوجه گردد و بیش از پیش عظمت و سترگی حکمت‌های الهی پیرامون خود را دریابد و با پروردگار خود آشناتر و به مقام قرب او نزدیک‌تر شود، و گرنه تنها پرداختن به اینگونه مطالب، بدون انگیزه راهنمایی و راه‌یابی، چندان کارساز و ره‌گشا نمی‌تواند بود.

دیگر اینکه بیان مطالب علمی در متون دینی، خود گواهی است آشکار بر معجزه بودن آنها. بی‌شک وقتی امام صادق علیه السلام در همین کتاب از «استفاده ماهی‌ها از اکسیژن هوا»، «حرکت وضعی و انتقالی ستارگان»، «انتقال صدا



به وسیله هوا»، «کروی بودن زمین»<sup>۱</sup> و دهها نمونه دیگر سخن می گوید که درستی و حقانیت بسیاری از آنها قرن‌ها بعد آشکار شده و مواردی نیز هنوز در پرده و نامکشوف باقی مانده، جز معجزه چه تعبیر دیگری می توان درباره آنها به کار برد و آیا منبعی جز الهام و علم بی کران الاهی برای آنها متصور است؟

۲. توحید مفضل، حدیثی است طولانی، مشتمل بر سخنان امام جعفر صادق علیه السلام، با موضوع محوری اسرار آفرینش که طی چهار جلسه، بر مفضل بن عمر جعفری املا شده است:

جلسه نخست: اسرار آفرینش در انسان

جلسه دوم: اسرار آفرینش در حیوانات

جلسه سوم: اسرار آفرینش در طبیعت

جلسه چهارم: اسرار بلاها و آفت‌ها

یادآوری این نکته ضروری است که گرچه، به ظاهر، موضوع سخنان امام علیه السلام در این حدیث، بیان اسرار پدیده‌های هستی است، اما همچنان که نام کتاب گواهی می دهد، غرض اصلی از املاهای این کلمات، توجه دادن مخاطبان به آفریننده آفریده‌ها، یعنی صانع تعالی و یگانگی او، و استدلال به وجود علم و تدبیر و هدف‌مندی در عالم آفرینش است. امام علیه السلام خود نیز در جای جای حدیث، این هدف را یادآور شده تا خواننده راه را گم نکند و از مقصود اصلی دور نماند. از این رو، ایشان پیش از شروع در هر مطلب نو، مفضل بن عمر را با عباراتی چون: «تفکر کن»، «تدبّر نما»، «ببیندیش» و «عبرت بگیر» مخاطب قرار می دهد، و در پایان، با بیانی محکم و دقیق او را متوجه می سازد که این مطالب علمی، آیات کوچک و بزرگ الاهی اند در برابر

۱. همین کتاب، به صفحات ۱۰۵، ۱۱۶، ۱۱۸ و ۱۲۷ مراجعه کنید.





دیدگان آدمی، و راهی به سوی حقیقت و دریافت عظمت و الوایی خالق متعال، و پروردن احساس فروتنی و خضوع در برابر آن ذات یگانه؛ و اینکه این عالم، با تمام موجودات آسمانی و زمینی اش، دارای نظم و تدبیر و هماهنگی است و از روی تصادف و اتفاق به وجود نیامده، آن گونه که جاهلان و منکران می پندارند.

توحید مفضل نه کتاب فلسفه و کلام است و نه دفتر علم شیمی و زیست شناسی و علم الحیوان و... بلکه کتاب توحید و خداشناسی است و امام صادق علیه السلام در مقام آموزگار توحید خالص و ناب، همچون فیلسوفی الهی، متکلمی زبردست، پزشکی حاذق، تحلیل گری شیمی دان، تشریح کننده ای متخصص، و در یک کلام، عالمی آگاه به همه پدیده های آسمانی و زمینی، جلوه گری می کند و از حقایق عالم پرده برمی دارد و برگی از دفتر علوم شگفت انگیز و اعجاز آمیز خود را پیش چشم همگان، به تماشا می گذارد.

۳. نام راوی حدیث «مفضل»، کنیه اش «ابو محمد» یا «ابو عبدالله» است. در اواخر قرن اول، در روزگار امام باقر علیه السلام در کوفه به دنیا آمد، و در روزهای پایانی قرن دوم، در آغاز حکومت عباسی، در زمان حضرت رضا علیه السلام در حالی که هشتاد و اندی از عمرش می گذشت، از دنیا رفت.

گرچه مفضل چهار امام از ائمه اهل بیت علیه السلام یعنی امام باقر علیه السلام، امام صادق علیه السلام، امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام را درک کرد و پیوسته در خدمت ایشان بود، اما دوران طلایی و شکوفان زندگی این مرد بزرگوار، با عصر حیات امام صادق علیه السلام گره خورده است؛ دوره ای که وی شاگرد میرز و همیشگی مدرسه امام علیه السلام است و اکثر اوقات خود را به کسب و اندوختن علوم و احادیث، از آن حضرت، می گذراند.

ارتباط وثیق و همه جانبه این راوی جلیل القدر با چهار امام معصوم علیه السلام



از او دانشمندی لایق، فقیهی بزرگ و عالمی با فضل و متقی و پرهیزگار به بار می آورد و مورد اعتماد امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام قرارش می دهد، چندان که از سویی ایشان سِمَت و کالت می یابد و موظف می گردد با اموالی که در اختیارش می گذارند، یا اجازه گرفتن آنها را دارد، اختلافات را از میان بردارد و نزاعها را پایان دهد و از محرومان و کمبودداران دستگیری کند، و این همه البته به سعه صدر و همت والا و ایمان صادق و صبر و کوشش و مدارا و مدیریتی دقیق نیاز داشته که مفضل از آنها برخوردار بوده است. بی جهت نیست که می بینیم ائمه زمان مفضل، مقام و مرتبه وی را می ستایند، او را «دوست خود»، «بندۀ خوب خدا»، «مونس و مایه راحتی خویش» می دانند و از او به نیکی و بزرگی یاد می کنند و امام صادق علیه السلام به او می فرماید: «ای مفضل! به خدا سوگند تو را و دوست دار تو را دوست می دارم. ای مفضل! اگر همه اصحاب من آنچه تو می دانی، می دانستند، هرگز بین دو تن از آنها اختلاف نمی افتاد.»<sup>۱</sup>

درباره شخصیت مفضل بن عمر، معمولاً این شبهه مطرح است که با وجود روایاتی که در مدح و ستایش وی وارد شده و تعریف و تمجیدی که عالمان امامیه از او کرده اند، تکلیف روایاتی که طعن و سرزنش، و متهم نمودن مفضل به ضعف ایمان و فساد عقیده را دربردارد، چه می شود؟<sup>۲</sup>

پیش از بررسی این شبهه، ناگفته نمی توان گذاشت که جز مواردی نادر، عالمان رجالی و شرح حال نگاران و فقهای عالی مقام و محدثان بزرگوار، مقام شامخ وی را ستوده اند و درباره اش جز به عظمت یاد نکرده اند و روایاتی را که وی در سند آنها قرار دارد، معتبر و قابل تمسک دانسته اند. شیخ مفید، او را

۱. الاختصاص، شیخ مفید، ص ۲۱۶.

۲. ر. ک: مجمع الرجال قهپایی، رجال ابن عضائری، ص ۱۳۱؛ نیز رجال النجاشی، ص ۴۱۶.



«فقیهی صالح و مورد وثوق»<sup>۱</sup> دانسته، شیخ طوسی از او به «یار واقعی ائمه علیهم السلام» و همواره پوینده طریق آنان<sup>۲</sup> یاد کرده،<sup>۳</sup> شیخ عباس قمی او را از «برپادارندگان امر ائمه» به شمار آورده،<sup>۴</sup> و عالم بزرگوار، سید صدرالدین عاملی معتقد است «اگر کسی به دقت در حدیث مشهور مفضل از امام صادق علیه السلام بنگرد، درمی یابد که امام علیه السلام این سخنان بلیغ و معانی شگفت و الفاظ غریب را جز با مردی بزرگ و دانشمند و باذکات و هوشمند و شایسته برخوردار از اسرار دقیق و ظریف و بدیع، با کس دیگری در میان نمی نهد. این مرد نزد من بسیار رفیع‌المقام و جلیل‌القدر است».<sup>۵</sup>

اینک در پاسخ به شبهه سرزنش و بدگویی ائمه علیهم السلام از مفضل باید گفت: دوران زندگی امام صادق علیه السلام، همچون عصر دیگر ائمه علیهم السلام، با انواع ظلم‌ها و گرفتاری‌ها و محدودیت‌های سخت و آزاردهنده از سوی دستگاه حاکم همراه بوده، هم در حق اهل بیت پیامبر ﷺ و هم در حق یاران و طرف‌داران و منسوبان و مرتبطين با ایشان.

حاکمان عباسی از بیم روی کردن مردم به امام صادق علیه السلام و مقبولیت یافتن بیش از پیش وی که تهدیدی حاضر و آشکار برای دستگاه به‌شمار می‌آمد پیوسته آن حضرت را تحت نظر داشتند و رفت و آمد بستگان و دوست‌داران را به خدمت ایشان مانع می‌شدند و در این راه از هیچ‌گونه وحشت‌افکنی و آزار و قتل و شکنجه‌ای ابا نداشتند و کوتاهی نمی‌کردند، از این رو امام علیه السلام ناگزیر بود سیاست «تقیه» را در پیش گیرد و آن را به دوستان و فرزندان و پیروان خود توصیه نماید و بفرماید «تقیه، دین من و دین پدران

۱. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ص ۲۰۸.

۲. الغیبة، ص ۲۱۰.

۳. کشف المحجبة لثمرة الحجة، ص ۵۰.

۴. منتهی‌الامال، ج ۲، ص ۴۴۲.

۵. سفینة البحار، شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۲۷۲.



من است» تا شبهه و تهمت ارتباط با خود را از آنان دور سازد و جان و مال آنها را محفوظ نگه دارد و تهدید و ظلم حکومتیان را مانع شود. این امر گاه تا جایی پیش می‌رفت که امام علیه السلام بعضی از یاران نزدیک و خاص خود را ذم و سرزنش و بدگویی می‌کرد، تا جان آنها را نجات دهد. برای نمونه، پیغام امام صادق علیه السلام به «زراره بن اعین» از طریق فرزندش «عبدالله بن زراره» خواندنی است:

«ای عبدالله! سلام مرا به پدرت برسان و بگو: من از تو بدگویی می‌کنم، تا پشتیبانی‌ات کنم، زیرا مردم و دشمنان به هر که ما او را به خود نزدیک سازیم و مدحش کنیم، پیشی می‌گیرند که آزارش دهند و به خاطر محبت ما، او را سرزنش کنند. من تو را بد می‌گویم تا آنها کار تو را نیک بیندارند. تو کسی هستی که به دوستی و تمایل به ما مشهوری و از این رو نزد مردم مورد طعن و ناپسندی. خواستم تو را نکوهش نمایم تا در چشم مردم، آیین تو نیکو جلوه کند و بدین وسیله شر آنها از تو کوتاه شود.»<sup>۱</sup>

بنابراین، علاج شبهه مذکور به این است که روایات ذم و بدگویی مفصل را حمل بر «تقیه» کنیم، افزون بر اینکه اینگونه روایات در برابر روایات متعددی که در مدح و ستایش و بزرگداشت وی صادر شده، هیچ تاب مقاومت ندارند و در اعتبار به پای آنها نمی‌رسند و قابل اعتنا نیستند.<sup>۲</sup>

۴. ما ترجمه حاضر را به پی‌نوشت‌هایی با ارزش و خواندنی مزین کرده‌ایم که بیش‌تر آنها از کتاب گران‌ارج *من امالی الامام الصادق علیه السلام*<sup>۳</sup> گرفته

۱. وسایل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۲، ص ۵۸۴.

۲. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۴۳.

۳. این کتاب، شرح مفصل و خواندنی «محمد الخلیلی» نویسنده فاضل و اندیشمند عرب‌زبان، بر «توحید مفضل» است و از کارهای خوب و قابل توجه در این زمینه به‌شمار می‌آید. کتاب در چهار جلد سامان داده شده و مؤلف در هر جلد یک جلسه از چهار جلسه روایت را به شرح و توضیح نشسته و با سعی و کوشش تمام، بعضی



شده‌اند. البته جز اینها، موارد دیگری نیز هست که از کتاب‌های دیگر آورده‌ایم و نشانی‌شان، به‌خصوص، ذکر شده است.

می‌توان گفت که این ترجمه، با وجود این پی‌نوشت‌های مفید و روشن‌گر، از دیگر ترجمه‌ها متمایز شده و بر آنها امتیاز یافته است، گرچه ترجمه، خود، نیز دارای ویژگی‌هایی است که در صورت مقایسه آشکار خواهند شد.

اگر بررسی که فایده این پی‌نوشت‌ها چیست، می‌گوییم برای آن است که:

- ابهامات احتمالی متن حدیث برطرف شود؛

- فهم خواننده گسترده‌تر و عمیق‌تر گردد؛

- جلوه‌های گوناگون اعجاز کلام امام علیه السلام تا اندازه‌ای بروز یابد؛

- خواننده رابطه‌ای جذاب‌تر و امروزی‌تر با روایت برقرار کند.

سخن آخر اینکه توحید مفضل کتابی است از دیروز، برای امروز و فردا،

و گذشت قرن‌های متمادی نه تنها از ارزش والای آن چیزی نکاسته، که

حقانیت و یقینی بودن مطلب آن را معلوم‌تر ساخته و می‌سازد. ای کاش ما

مسلمانان قدر این مواریث بی‌ظنیر و جاودان خود را می‌دانستیم و اندکی ارج

می‌نهادیم و به اهمیت بزرگ‌شان آگاه می‌شدیم و صلاح و سعادت دنیا و

آخرت خود را جز در فهم درست و عمل طبق آنها جست‌وجو نمی‌کردیم.

باشد که چنین شود.\*

محمد مهدی رضایی

۳۰ آذرماه ۱۳۸۶

اسرار و حکم نهفته در سخنان امام علیه السلام را بیان کرده است. مشخصات کامل کتاب چنین است: من امالی

الامام الصادق علیه السلام و هو شرح ما املاه الامام علیه السلام علی تلميذه المفضل بن عمر الجعفی، محمد الخلیلی،

۴ ج، منشورات مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت - لبنان، الطبعة الرابعة، ۱۴۰۴ هـ ۱۹۴۸ م.

\* در تنظیم این مقدمه، از مقدمه کتاب من امالی الامام الصادق علیه السلام و مقدمه ترجمه آقای نجفعلی میرزایی،

استفاده کرده‌ام.